

إضاءة

بين الجهاد بالسيف والجهاد بالكلمة

روشننگری

بين جهاد با شمشیر و جهاد با کلمه

الدعوة إلى الله سبحانه وتعالى وإلى دينه الحق وإلى طاعة خليفة الله في أرضه تبدأ بالكلمة.

دعوت به سوی خداوند سبحان و متعال، به سوی دین حق او، و به سوی اطاعت و پیروی از جانشین خداوند در زمینش با کلام آغاز می‌شود.

قال تعالى: ﴿ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ﴾⁽¹⁾.

حق تعالی می‌فرماید: ((مردم را با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت بخوان و با بهترین شیوه با آنان مجادله کن؛ زیرا پروردگار تو به کسانی که از راه او منحرف شده‌اند آگاه‌تر و به هدایت‌یافتگان داناتر است))^(۲).

وسليمان ع بدأ بالكلمة:

سليمان ع با سخن آغاز کرد:

1- النحل: 125.

2- نحل: ۱۲۵.

﴿أَذْهَبُ بِكِتَابِي هَذَا فَأَلْقُهُ إِلَيْهِمْ ثُمَّ تَوَلَّى عَنْهُمْ فَانظُرْ مَاذَا يَرْجِعُونَ﴾ (3).

((این نامه‌ی مرا ببر و به سویشان بپسند، سپس از آنها روی برتاب و بنگر چه پاسخ می‌گویند)) (4).

وكان كتاباً كريماً وحكياً ورحيماً: ﴿قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ إِنِّي أُلْقِيَ إِلَيَّ كِتَابٌ كَرِيمٌ * إِنَّهُ مِنْ سُلَيْمَانَ وَإِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ (5)، أي إنه موسوم بالرحمة.

و این، نامه‌ی کریم، حکیم و رحیم بود: ((آن زن گفت: ای بزرگان، نامه‌ای گران قدر به سوی من افکنده شده * این نامه از سلیمان است و این نامه: به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان)) (6)؛ یعنی مهربان شده با رحمت است.

ثم تنتقل إلى المجادلة بالتي هي أحسن:

سپس به بحث و جدال با بهترین شیوه منتقل می‌شود:

﴿ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ﴾.

((مردم را با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت بخوان و با بهترین شیوه با آنان مجادله کن؛ زیرا پروردگار تو به کسانی که از راه او منحرف شده‌اند آگاه‌تر و به هدایت‌یافتگان داناتر است)).

ثم تنتقل إلى القول الغليظ:

سپس به گفتاری درشت و خشن کشیده می‌شود:

3- النمل: 28.

4- نمل: 28.

5- النمل: 29 - 30.

6- نمل: 29 و 30.

﴿ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ ﴾ (7)،

((ای پیامبر! با کافران و منافقان جهاد کن و بر آنان سخت بگیر، جایگاهشان جهنم است و چه بد سرانجامی است)) (۸).

وهذا ما فعله سليمان آخر الأمر:

و این همان کاری است که سلیمان در انتها به انجام رسانید:

﴿ ارْجِعْ إِلَيْهِمْ فَلَنَأْتِيَنَّهُمْ بِجُنُودٍ لَا قِبَلَ لَهُمْ بِهَا وَلَنُخْرِجَنَّهُمْ مِنْهَا أُنزِلَةً وَهُمْ صَاغِرُونَ ﴾ (9).

((به سویشان بازگرد. قطعاً سپاهی بر ایشان آوریم که تاب ایستادگی در برابر آن را نداشته باشند و به خواری و خفت از آنجا بیرونشان کنیم)) (۱۰).

فإذا لم تنفع الكلمة كان السيف هو الفيصل بين الحق والباطل لإعلاء كلمة الله وإظهار طاعته في أرضه، فالانتقال للسيف أمر حتمي إذا لم تنفع الكلمة، بل هو واجب في كل الأديان الإلهية؛ ولهذا رفع أنبياء الله ورسله السيف وجاهدوا وقاتلوا في سبيل الله لإعلاء كلمة الله، فالانتقال إلى السيف مباشرة عجلة، وهلك المستعجلون، وترك الانتقال إلى السيف بعد تمام الكلمة تخاذل، وهلك المتخاذلون.

و اگر کلام سودی نبخشید، شمشیر، جدا کننده‌ی بین حق و باطل برای برافراشتن کلمه‌ی الله و علنی ساختن اطاعت و پیروی از او در زمینش می‌باشد؛ بنابراین منتقل شدن به مرحله‌ی شمشیر، اگر گفتار سودی نبخشد، حتمی و اجتناب‌ناپذیر، و حتی در تمام ادیان الهی واجب شمرده شده است؛ و از همین رو است که انبیای خداوند و فرستادگانش شمشیر کشیدند و در راه خدا برای برافراشتن کلمه‌ی الله، جهاد و پیکار نمودند. بنابراین منتقل شدن یکباره به مرحله‌ی شمشیر، عجله کردن است و آنان که شتاب می‌کنند،

7- التوبة: 73، التحريم : 9.

8- توبه: ۷۳؛ تحريم: ۹.

9- النمل: 37.

10- نمل: ۳۷.

هلاک می‌گردند، و ترک گفتن مرحله‌ی انتقال به شمشیر پس از پایان یافتن گفتار، غفلت و سستی است و غافلان به هلاکت می‌رسند.

* * *